

بندر کنگ شاهراه تجاری خلیج فارس در گذر تاریخ

دکتر محمد حسن نیا



انتشارات جنوب

۱۳۹۴

سرشناسه	حسن نیا، محمد، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	بندر کنگ شاهراه تجاری خلیج فارس در گذر تاریخ / مؤلف محمد حسن نیا.
مشخصات نشر	کرج: انتشارات جنوب، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۷۰۹ ص.: مصور.
شابک	978-600-96054-1-5
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	بندر کنگ
رده بندی کنگره	۵۱۳۹۴ح۴۵ن/۲۰۷۵DSF
رده بندی دیویی	۹۵۵/۷۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۱۰۰



انتشارات جنوب

نشانی انتشارات: استان البرز - کرج - مشکین دشت - خیابان شهید بهری -

خیابان امین یک - پلاک ۱۱، تلفن: ۲۶۳۶۲۱۸۵۵۱



مؤلف: دکتر محمد حسن نیا

ویراستار: فاطمه نجفی

ناشر: انتشارات جنوب

چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-96054-1-5

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

است. هرکسی تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا

عرضه نماید مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
۸	نام خلیج فارس
۱۴	خلیج فارس و پیشینه فرهنگی آن
۱۷	فصل اول: کلیات
۱۷	اهمیت شهر، نامه نویسی و تاریخ محلی برای بندر کنگ
۱۸	وجه تسمیه بندر کنگ
۲۰	بندر کنگ در تقسیمات کشوری استان هرمزگان
۲۱	فصل دوم: جغرافیای بندر کنگ
۲۱	موقعیت جغرافیایی شهر بندر کنگ
۲۱	جغرافیای طبیعی کنگ
۲۳	تأثیر بیابان های عربستان و آفریقا بر آب و هوای کنگ
۲۸	ژئومورفولوژی بندر کنگ
۳۰	خاک شناسی بندر کنگ
۳۱	جغرافیای انسانی
۳۳	جغرافیای اقتصادی بندر کنگ
۴۳	فصل سوم: تاریخ بندر کنگ
۴۳	تاریخ بندر کنگ قبل از اسلام
۴۸	قلعه لشتان در گذر تاریخ
۶۹	تاریخ بندر کنگ در دوره اسلامی
۸۳	بندر کنگ در عصر صفویه و شاه سلطان حسین صفوی
۹۶	بندر کنگ در دوره محمدشاه قاجار

۹۸	بندر کنگ در دوره ناصرالدین شاه قاجار
۱۰۰	بندر کنگ در دوره احمدشاه قاجار
۱۰۴	بندر کنگ در دوره پهلوی دوم
۱۰۶	بندر کنگ در اواخر عصر پهلوی
۱۰۹	بندر کنگ مرکز تحولات سیاسی و فرهنگی خلیج فارس از دوره صفویه به بعد
۱۱۳	بندر کنگ و سیر تحول آن از نگاه دیگر
۱۱۶	آثار تاریخی بندر کنگ
۱۲۳	دیده‌های قدیمی در ساحل بندر کنگ
۱۲۵	فصل چهارم: شهر بندر کنگ
۱۲۵	این ماه بندر کنگ: دریانوردان معروف بندر کنگ در دوره صفویه
	بندر کنگی بودن خاندان کبابی و مهاجرت به مسقط و تألیفات علمی و خدمات آن‌ها به
۱۳۰	منطقه خلیج فارس
۱۳۱	حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاندان کبابی
۱۳۹	حیات اجتماعی و فرهنگی محلی خاندان سدیدالسلطنه
۱۵۹	فصل پنجم: دریانوردی و صیادی در بندر کنگ
۱۵۹	سفرهای دریایی
۱۶۱	سفرهای دریایی دریانوردان بندر کنگ از خلیج فارس تا فریبا هندوستان
۱۶۲	انواع سفرهای دریایی دریانوردان کنگی
۱۸۴	دریانوردی و لنج‌سازی در بندر کنگ
۱۹۱	نقش وسایل جهت‌یاب و رهنماها در دریانوردی بندر کنگ
۲۰۱	پیش‌بینی‌های دریانوردان بندر کنگی و نقش آن در سفر دریایی
۲۰۳	سنت نوروز دریا در بین دریانوردان بندر کنگ
۲۰۵	دریانوردان قدیم بندر کنگ
۲۱۱	انواع کشتی و لنج در بندر کنگ
۲۱۸	صید مروارید در بندر کنگ
۲۲۷	بررسی نوع صید و صیادی در طول تاریخ بندر کنگ

ساختار خانه‌ها و ساختمان‌های بندر کنگ و مصالح به کاررفته در آن‌ها، در دوران قدیم

برکه و اهمیت آن در تاریخ و حیات اجتماعی بندر کنگ

بادگیر و معماری آن در بندر کنگ

انواع بادگیر از حیث جهت جغرافیایی

آب‌انبارها

سیری در همگرایی و روانشناسی اجتماعی مردم بندر کنگ

فصل هفتم: فرهنگ و آداب و رسوم مردم بندر کنگ و تاریخ اجتماعی و فرهنگی

فرهنگ و آداب و رسوم مردم بندر کنگ و تاریخ اجتماعی و فرهنگی این بندر

مراسم عروسی در بندر کنگ از دیدگاه دیگر

آداب و رسوم مردم بندر کنگ در ایام عید فطر

نوروز

انواع مراسم و آیین‌های مردم بندر کنگ در پیوسته تاریخ

فصل هشتم: صنایع دستی بندر کنگ

صنایع دستی بندر کنگ

فصل نهم: خوراک مردم در بندر کنگ و سیر تحول آن از قدیم تاکنون

خوراک مردم در بندر کنگ و سیر تحول آن از قدیم تاکنون

تأثیر جغرافیا در خوراک مناطق شمالی خلیج فارس

عصر اکتشافات نفت و تأثیر آن بر خوراک مناطق شمالی خلیج فارس و بندر کنگ

انواع خوراک و شیوه تهیه آن‌ها در بندر کنگ از گذشته تاکنون

دیگر خوراک‌های گذشته و حال بندر کنگ

خوراک مردم بندر کنگ در ماه مبارک رمضان

۳۹۵	باورها و آداب و رسوم مردم بندر کنگ در مورد خوراک
۳۹۸	خوراک مردم بندر کنگ در عید فطر عید قربان و جشن میلاد
۳۹۹	خوراک عروسی در بندر کنگ
۴۰۱	فصل دهم: طب سنتی در سواحل شمالی خلیج فارس و بندر کنگ
۴۰۱	طب سنتی در سواحل شمالی خلیج فارس و بندر کنگ
۴۰۷	فصل یازدهم: نقش زنان بندر کنگ در تاریخ این شهر
۴۰۷	نقش زنان بندر کنگ در تاریخ این شهر
۴۱۳	فصل دوازدهم: بندر کنگ در نقشه‌های کهن ایران و جهان
۴۱۳	بندر کنگ در نقشه‌های کهن ایران و جهان
۴۲۱	جهانگردان غربی و تأثیر جغرافیای‌نویسی
۴۲۳	نخستین جهانگردان غربی در دوره اسلامی
۴۲۴	جهانگردان خارجی از قرن سفتم به بعد
۴۲۵	جهانگردان غربی عصر صفوی و تأثیر آن‌ها بر جغرافیای‌نویسی
۴۲۷	بندر کنگ در نقشه‌های جهان در ادوار تاریخی
	فصل سیزدهم: بندر کنگ در حال حاضر با تأکید بر عملکرد شهرداری بندر کنگ
۴۷۵	
۴۷۶	شهرداری (وظایف و اختیارات)
۴۷۷	سازمان شهرداری
۴۸۶	بندر کنگ و صنعت گردشگری و چشم انداز این بندر تجاری
۴۸۷	محلات قدیم و جدید بندر کنگ
۴۹۱	فصل چهاردهم: تاریخ فرهنگی و اجتماعی بندر کنگ
۴۹۱	آموزش و تعلیم و تربیت در بندر کنگ
	عملکرد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مساجد کنگ در دوره قدیم و جدید و سبک
۴۹۹	معماری آن‌ها

۵۰۲	پدیده مهاجرت در بندر کنگ
۵۰۷	فصل پانزدهم: گویش مردم بندر کنگ
۵۰۷	گویش مردم بندر کنگ
۵۱۹	فصل شانزدهم: بندر کنگ در آیینۀ اسناد
۵۱۹	بندر کنگ در آیینۀ اسناد
۶۹۹	منابع

www.ketab.ir

پیشگفتار

بنادر جزایر خلیج فارس با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیای اقتصادی آن‌ها همواره اهمیت خاصی در تاریخ خلیج فارس داشته‌اند. این بنادر و جزایر مراکزی برای تبادل فرهنگی و اختلاط اقوام و مذاهب مختلف است که با مسالمت و تساهل و تسامح در طول تاریخ ایران در کنار هم زندگی می‌کنند. در این بین جزایر و بنادر سواحل شمالی خلیج فارس تنوع قومی و اختلاط نژادی بیشتری دارند. مردم این بنادر و جزایر همچون مرزداران وطن‌پرست از هر قوم و نژاد، همواره در طول تاریخ ایران و خلیج فارس نقش ایفا کرده‌اند. همین مردمان بنادر و جزایر خلیج فارس بودند که در زمان اخراج پرتغالی‌ها بیشترین نقش را ایفا کرده‌اند. این مردمان اقوام مختلف همواره در تاریخ ایران بیشترین تابعیت را از دولت مرکزی ایران داشته و دارند و به خوبی دریافته‌اند که دولت ایران می‌تواند در هر زمان به بهترین شیوه امنیت جان و مال آن‌ها را تأمین کند. در بین بنادر خلیج فارس در استان هرمزگان و شهرستان بندر لنگه، بندر کنگ تمامی ویژگی‌های فوق را دارد. این بندر قدیمی که زمانی مرکز لشتان بوده است، مرکز آل پرفراز و نشیبی را طی کرده است و گاهی در دوره صفویه جمعیت آن به ده‌هزار نفر می‌رسید و شاهراه تجاری خلیج فارس بود. ساختار مدنی این بندر، خاندان دیوانسالاری چون سبب السلطنه و خاندان او را پرورش داد و دریانوردان بزرگی چون ابن‌ماجد، به راهنمای سفر واسکودوگاما به اقیانوس هند بود، نیز منتسب به این بندر تاریخی است. بزرگترین خاندان دریانورد در گذشته و اکنون که هر کدام تجربه‌های زیادی در سفرهای منطقه‌ای و بین‌المللی دارند، نیز ریشه در بندر کنگ دارند. قلعه لشتان نیز، که سابقه در تاریخ ایران قبل از اسلام دارد، نماد هویت بندر کنگ در تاریخ پیش از اسلام است. لذا در این نوشتار

به تمامی تاریخ بندر کنگ از قبل از اسلام و پس از آن با استفاده از منابع دست اول تاریخی پرداخته می‌شود.

در این مقام لازم است از بزرگوارانی که در تألیف این کتاب همواره یار و یاور بنده بودند تشکر نمایم. در ابتدا از شورای شهر بندر کنگ جناب آقای عبدالحمید ملک‌پور، یعقوب بحری، حسن احمدنژاد کنگی، غلام یزدان‌پناه و سرکار خانم حاجی‌پور تشکر می‌نمایم، همچنین تشکر ویژه از جناب آقای ایوب زارعی شهردار پرتلاش و زحمت‌کش بندر کنگ دارم. از جناب آقای احمد خصومی و آقای کشمیری که نخستین آشنایی ما را برای تألیف کتاب با شهرداری کنگ ایجاد کردند قدردانی می‌گردد. از سرکار خانم فاطمه نجفی که زحمت ویراستاری و نمونه‌خوانی نهایی را بر عهده داشتند و از سرکار خانم محبوبه سرفرائی و سرکار خانم شهرزاد جوانمردی که در نمونه‌خوانی کتاب مساعدت نمودند سپاسگزارم و در نهایت از آقای محمد معلمی و سرکار خانم نگین مطهری بابت طراحی جلد و از آقای امین شاه‌نهدوست به جهت صفحه‌آرایی و آقای حسین صالحی به عنوان ناظر طرح کمال تشکر را دارم.

محمد حسن نیا

اسفند ۱۳۹۴

هـ تدممه

تاریخ بندر کنگ در هویت ملی و بین‌المللی خلیج فارس معنا پیدا می‌کند و در ارتباط تنگاتنگ با تاریخ پرفراز و نشیب خلیج فارس است. هرگاه اقتصاد خلیج فارس شکوفا بوده، اقتصاد بنادر مهمی چون بندر کنگ نیز رونق پیدا می‌کرد و هرگاه مسائلی چون هجوم پرتغالی‌ها به خلیج فارس، نفوذ هلندی‌ها و انگلیسی‌ها به این آبراهه بین‌المللی، جنگ جهانی اول، مسائل نفوذ خارجی‌ها به خلیج فارس صورت می‌گرفت، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سیاست در بندر کنگ تحت‌تأثیر قرار می‌گرفت. هرگاه شاهانی چون شاه عباس اول بر ایران حکومت می‌کردند و خلیج فارس رونق داشت، اقتصاد و تجارت در بندر کنگ پررونق بود. هرگاه شاهانی چون ناصرالدین‌شاه و دیگر شاهان قاجار به خلیج فارس توجه چندانی نداشتند، حتی گمرکات جنوب را هم به اجاره می‌دادند، اقتصاد و تجارت بندر کنگ رو به افول می‌رفت و مردم بندر کنگ به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند، لذا بندر کنگ در بنه گسترده‌تری چون خلیج فارس و تحولات مهم آن معنای بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین لازم است شمه‌هایی از جغرافیا و وجه‌تسمیه خلیج فارس آورده شود.

خلیج فارس پیشرفتگی آب در سرزمینی است که تا محور هزار کیلومتر (از شط‌العرب تا تنگه هرمز) ادامه دارد. مدخل و دهانه آن در تنگه هرمز ۸۵ کیلومتر و بخش پایانی آن در رأس خلیج فارس ۳۲۰ کیلومتر است. بیشترین عرض خلیج فارس نیز ۳۲۵ کیلومتر مربع است. مساحت کل خلیج فارس ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و عمق متوسط آن ۳۵ متر ثبت شده‌است که در برخی از نقاط به نود تا صد متر نیز می‌رسد و در مجموع دریای کم‌عمقی است (تکمیل همایون، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

خلیج فارس و دریای عمان را می‌توان به پنج منطقه تقسیم کرد: ۱- سواحل غربی شامل کشورهای عراق و کویت و سواحل عربستان، ۲- سواحل شمالی یعنی کرانه‌های خوزستان و فارس و مکران، ۳- سواحل جنوبی یا منطقه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، ۴- جزایر خلیج فارس، ۵- زمین‌های کف دریاها که سرشار از منابع نفتی است (اقتداری، ۱۳۴۵، ص ۱۰).

آب‌وهوای خلیج فارس در کل به علت دمای متغیر رطوبت، بادهای گوناگون شمالی، تش باد، قوس و غیره در نوسان است و در بسیاری از ماه‌های سال زندگی را برای مردم آن مناطق طاقت‌فرسا می‌کند. به طور نسبی این منطقه خشک و سوزان است. درجه حرارت آب خلیج فارس در زمستان بسیار اندک است و در شمال خلیج فارس به ۱۷ درجه سانتیگراد می‌رسد، اما در ماه‌های تیر و مرداد به حداکثر مقدار خود یعنی ۳۴ درجه سانتیگراد می‌رسد. تغییرات درجه حرارت آب از ۲۵ تا ۲۷ درجه به ۳۳ تا ۳۴ درجه در فاصله نسبت کوتاهی، بین رأس‌الحد و جنوب خلیج فارس روی می‌دهد (کاظمی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸). در مجموع سه ناحیه مشخص از نظر اقلیمی در خلیج فارس دیده می‌شود: اول) ناحیه سردسیر و منابع که در شمال فارس و کرمان و خوزستان قرار گرفته و در زمستان پوشیده از برف است و سرچشمه رودهایی است که قسمتی از آن به حوضه‌های داخلی این مناطق سرازیر می‌شود و قسمت دیگر به خلیج فارس می‌ریزد. دوم) ناحیه تنگستان با آب‌وهوای معتدل و خشک که گاهی با معابر تنگ و گردنه‌های سخت دارد مانند کتل پیرزن و کتل دختر در راه شیراز به بندر بوم، ناحیه گرمسیر است که تمام سواحل خلیج فارس را در بر دارد و هرچه به سمت شرق برویم بر گرمای هوا افزوده می‌شود. (اقتداری، ۱۳۴۵، صص ۱۱-۱۲).

از نظر زمین‌شناسی خلیج فارس در نتیجه انفصالات اواخر عهد پلوسن و اوایل عهد پلیوسن از دوران سوم زمین‌شناسی، که سبب پیدایش کوه‌های زاگرس و رشته‌کوه‌های جنوب ایران و در کل فلات ایران شده است، به وجود آمد و قبل از این دوره به صورت زبانه باریکی وجود داشت و به گمان متخصصان جغرافیای طبیعی و زمین‌شناسان در دوره پلیوسن که آخرین دوره از دوران سوم زمین‌شناسی و نزدیک‌ترین دوره به دوران چهارم (دوران کنونی) است در قسمت ایران امروزی اتفاقات زیادی رخ داد و در نتیجه آن، نمای ظاهری زمین به صورت کنونی درآمد. بنا بر مطالعاتی که از نظر جغرافیای تاریخی به عمل آمده خلیج فارس در دوره‌های گذشته ابعادی به مراتب گسترده‌تر از

اکنون داشت که بر اثر گذشت زمان از وسعت آن کاسته شده است. بنابر همین تحقیقات، سواحل شمالی خلیج فارس که متصل به خاک عراق و استان خوزستان است سالانه نزدیک به ۵۶ متر در آب خلیج فارس پیشروی می‌کند و در نتیجه هر شصت سال حدود ۳۲۰۰ متر از گستره آب‌های این دریا کاسته می‌شود و به حدس زمین‌شناسان هر سه هزار سال صدوپنجاه کیلومتر از وسعت خلیج فارس کاهش یافته و از گنجایش آب‌های آن کم می‌شود؛ تا اندازه‌ای که شاید در ظرف چند هزار سال دیگر اگر تغییری در وضع زمین به وقوع نپیوندد به جای خلیج فارس بیابان لوت و شن‌زاری گسترده پدید آید (مجتهد، ۱۳۷۹، صص ۲۸-۲۷).

در ادامه کشورهایی که در اطراف خلیج فارس قرار دارند، به عبارت دیگر همسایگان ایران در خلیج فارس، از مباحثی است که برای آشنایی بیشتر و شناخت خلیج فارس از این نام به میان می‌آید. در این زمینه باید عنوان کرد که تمام دیواره شمالی و شمال شرقی خلیج فارس را سواحل ایران پوشانده است و در مسافت کمی از گوشه شمال غربی آن عراق گسترده شده و بقیه زاویه شمال غربی آن متعلق به خاک کویت است. در جنوب کویت قسمتی وجود دارد که منطقه‌ای بی‌طرف است و تقریباً ۴۵ میل از کرانه خلیج فارس را در بر می‌گیرد. ایران بین کویت و عربستان مشترکاً اداره می‌شود و محصول این منطقه بی‌طرف مقدار قابل توجهی نفت است که در حدود بیش از بیست میلیون متر مکعب در سال‌های اخیر بوده است. همه آن بین عربستان سعودی و کویت تقسیم شده است. بعد از منطقه بی‌طرف، کرانه‌های جزیری خلیج فارس به سمت جنوب غربی تا نزدیکی محل تقاطع مدار ۲۵ درجه شمالی و نصف النهار ۵۱ درجه شرقی امتداد دارد تمام طول این منطقه که بیش از ۲۵۰ میل است جزیره عربستان سعودی است و مراکز عمده استخراج نفت این کشور در همین ناحیه گسترده هستند. از بنادر و مراکز عمده واقع در این منطقه می‌توان به بندر قطیف، رأس‌التنوره، نجف، خبر، دمام و بالاخره ظهران اشاره کرد. این منطقه را در گذشته کرانه‌های الحسا می‌خواندند و در همین ناحیه خلیجی که شکل آن شبیه به ۷ و طول آن شمالی جنوبی است وجود دارد. ساحل غربی این خلیج را کرانه‌های عربستان سعودی (الحسا) و دیواره شرقی آن را خاک قطر به وجود آورده است و پس از این ناحیه شبه‌جزیره قطر قرار دارد که تا نود میل به سمت شمال امتداد یافته است. حداکثر پهنای قطر حدود شصت میل است (همان، صص ۲۷-۲۶).

کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از محل شرقی اتصال این شبه‌جزیره به خاک عربستان، که ناحیه الحدید نام دارد، تا حدود سیصد کیلومتر به سمت شرق پیش می‌رود. که در اینجا مرکز شیخ‌نشین ابوظبی قرار دارد. از این مکان به بعد ساحل جنوبی خلیج فارس راه شمال شرقی را پیش گرفته و تقریباً از محل تلاقی مدار ۲۶ درجه شمالی و نصف‌النهار ۵۶ درجه شرقی نیز گذشته و پس از شرق نصف گفته‌شده تا محاذات مدار ۲۵ درجه پایین آمده و از اینجا به بعد به سمت جنوب شرقی پیش می‌رود. سواحل اخیر روبه‌روی دریای عمان قرار گرفته‌اند و هرچه از مدار ۲۵ درجه پایین‌تر برویم از شیخ‌نشین فجج به راحل مسقط و عمان می‌رسیم و شبه‌جزیره مسندم، که قسمت‌های شمالی آن رأس‌المسندم نامیده می‌شود، در این قسمت قرار دارد. خلیج فارس در منطقه رأس‌المسندم به صورت تنگه‌ای در می‌آید که عرض آن حدود پنجاه میل است و آن را تنگه هرمز یا باب‌بهرم می‌توانند. باب‌هرمز در محاذات جنوب بندرعباس و در ناحیه جزایر هرمز و لارک واقع شده و عرض آن زیاد است. اهمیت این تنگه از نظر سوق‌الجیشی و همچنین اقتصادی بسیار است. در صند غربی شبه‌جزیره مسندم و در کنار آب‌های خلیج فارس بعد از شیخ‌نشین ابوظبی به سمت شمال شرقی به ترتیب شیخ‌نشین‌های دبی، شارجه، عجمان، ام‌القوین و رأس‌الخیمه قرار دارند. در شمالی‌ترین قسمت این شبه‌جزیره یعنی در ناحیه رأس‌الجبال ناحیه‌ای به نام خصب (khasab) قرار دارد (همان، صص ۲۸-۲۷).

با شرح مختصری که در مورد کشورهای حوزه خلیج فارس ارائه شد، می‌توان نتیجه گرفت که همسایگان ایران در حوزه جنوبی خلیج فارس شامل عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، عمان و امارات متحده عربی هستند و تمام کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس در اتحادیه‌ای به نام شورای همکاری خلیج فارس عضویت و مشارکت دارند.

به نظر می‌رسد نخستین جلوه‌های زیستی و نخستین انسان‌های منطقه خلیج فارس، بی‌تردید مردمان بومی این دریا بودند و به نظر مردم‌شناسان تاریخی، با نژادهای شمال آفریقا و آسیای جنوب غربی همسانی‌هایی داشته‌اند. از جمله این نژادها دراویدی‌ها و مکرانی‌ها بودند که به مرور بازرگانان و مهاجران سومری، عیلامی و آکادی هم به آن‌ها اضافه شدند. ساکنان ابتدایی خلیج فارس از همان آغاز زندگی با دامداری و پرورش شتر و اسب و الاغ و گوسفند و بز، صید مروارید و صدف با روش‌های بسیار کهن و

به دام انداختن دویست نوع ماهی آشنا بودند. علاوه بر این در حصیربافی، کشتی سازی و بافتن پارچه های بادبانی مهارت داشتند و به دریانوردی و کشتیرانی هم می پرداختند و شاید بتوان گفت نخستین اقوام بشری بودند که با تسلط بر آب ها به توسعه بازرگانی و نشر تمدن و فرهنگ پرداختند و حکومت هایی نظیر آکاد، کلد، عیلام، سومر، بابل و آشور در بنادر مهم و قدیمی خلیج فارس نظیر سیراف، خارک و بوشهر قدرت را به دست داشتند (تکمیل همایون، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

همه تمدن های بشری در خلیج فارس تا حدودی متأثر از رودها و منابع آبی، که به این دریا می ریختند، بوده اند. این رودها که از مناطق شمالی به خلیج فارس می ریزند عبارت از: ۱- دجله و فرات که در شط العرب به هم می پیوندند و به خلیج فارس می ریزند. ۲- رود بهمه شیر در محل آبادان که از رود کارون جدا می شود و آبادان را دور زده وارد خلیج فارس می شود. این رود ظرفیت آن را دارد که تمام آب کارون را از خود عبور دهد و قابل کشتیرانی باشد. ۳- رود جراحی که از کوه های شرق خوزستان سرچشمه می گیرد و به دو قسمت می شود؛ یکی شادگان که وارد کارون می شود و دیگری به همان نام جراحی معروف است و در محل خور موسی به دریا وارد می شود. ۴- رود زهده یا هنديجان که در گذشته تاب نامیده می شد. این رود در محل هنديجان وارد خلیج فارس می شود ۵- دالکی که از دو شعبه دالکی و دالپور تشکیل می شود. ۶- رود مند که از کوه های شمال غربی شیراز سرچشمه می گیرد و وارد خلیج فارس می شود. ۷- رودهای کوچک دیگر چون مهران، نابند و میناب که وارد خلیج فارس می شوند. از کشورهای حوضه جنوبی خلیج فارس رودی به خلیج فارس نمی ریزد. (د جتهداده، ۱۳۷۹، صص ۳۰-۳۱)

در ارزیابی کلی می توان گفت خلیج فارس نقش خود را به مثابه شاهراه بازرگانی از روزگاران باستان آغاز کرد. این نقش از هنگام گسترش قدرت امپراتوری های بزرگ در شرق جهان باستان همانند هخامنشیان، یونانیان، مقدونیان، پارسیان، رومیان و ساسانیان اهمیت بیشتری یافت. در دوره اسلامی خلیج فارس نقش خود را در زمینه بازرگانی و ارتباطات تجدید کرد. با شروع قرن شانزدهم شاهد ورود استعمار به منطقه خلیج فارس هستیم که قدیمی ترین آن ها پرتغالی ها بودند و به دنبال آن ها هلندی ها، انگلیس ها، فرانسوی ها، روس ها، آلمانی ها و آمریکایی ها پا در عرصه رقابت های تجاری منطقه خلیج فارس گذاشتند. از ۱۹۰۸ م هنگامی که نخستین چاه مسجد سلیمان به

نفت رسید اهمیت خلیج فارس دو چندان شد؛ خصوصاً که در مجاورت مناطق نفت خیز قرار گرفته بود.

خلیج فارس ذخایر بزرگ نفت دارد. ذخایر نفتی منطقه خلیج فارس که تا حدود ۵۶۵ میلیارد بشکه برآورد می شود ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی جهان را شامل می شود. ذخایر گاز طبیعی منطقه نیز تا ۳۱ تریلیون متر مکعب برآورد شده است که سی درصد ذخایر گاز طبیعی جهان است. گذشته از نفت و گاز منطقه خلیج فارس به ویژه سرزمین ایران دارای منابع گسترده گوناگون معدنی است. این منطقه که شامل هشت کشور می شود یکی از پهناورترین کشورهای جهان (عربستان سعودی) و یکی از کوچکترین آن ها (بحرین) را در خود جای داده است. همچنین یکی از کهن ترین کشورهای جهان (ایران) با تمدن و فرهنگ سی درخشان در کرانه خلیج فارس قرار دارد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۳، صص ۱۳-۱۴)

نام خلیج فارس

الف) نام خلیج فارس پیش از اسلام

مستندات تاریخی خلیج فارس به این نکته اشاره دارند که قدیم ترین اشارات تاریخی به خلیج فارس به زمان حاکمان سوه بین النهرین در سه هزار سال پیش از میلاد باز می گردد. برای مثال زمانی که از دیلمون (Dilmun) در سواحل خلیج فارس یا اور نانس (Urnase) شاه لاگاش (۲۴۶۵-۲۴۹۴ ق.م) یاد شده است. در متنی تاریخی از لوگال زاگسی شاه اوروک (۲۳۱۶-۲۳۴۰ ق.م) خلیج فارس به راحت تشریح شده است. (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۷) پیش از آنکه آریایی های ایرانی به فلات ایران تسلط پیدا کنند، آسوریان این دریا را در کتیبه های خود به نام نارماتو (Nar Marratu)، که به معنی رود تلخ است، یاد کرده اند و این کهن ترین نامی است که از خلیج فارس به جای مانده است (مشکور، ۱۳۸۷، ص ۷).

در هزاره اول پیش از میلاد از خلیج فارس نه فقط به عنوان منبعی برای دریافت خراج حاکمان بین النهرین، بلکه مسیری برای لشکرکشی های دریایی شاهان نیز یاد شده است. از این رو سناچریب (Senachrerib) (۷۰۵-۶۸۱ ق.م) با ذکر لشکرکشی خود از درون خلیج فارس به سرزمین ایلام در جنوب غربی ایران، از آن با نام دریای بزرگ شرق

(تامتو ریتو ساسیت سامسی tamtu rabitu sa sit samsi) با معنی تحت‌اللفظی محل طلوع خورشید یاد می‌کند و عقیده‌اش را دربارهٔ آن به تفصیل بیان می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۸۳، صص ۷-۸). در کتیبه‌ای که از داریوش بزرگ در تنگهٔ سوتز یافته‌اند عبارت «درایه تیه هچا پارسا آئی تی» یعنی دریایی که از پارس می‌رود، منظور از دریای پارس خلیج فارس است؛ زیرا در زمان ساسانیان این دریا را دریای پارس می‌خواندند (مشکور، ۱۳۸۷، ص ۷).

اما نام خلیج فارس با نخستین مطالعات علمی نقشه‌نگاری در تاریخ به جهان معرفی شد. گلا دیوس بطلمیوس ریاضیدان، منجم، جغرافی‌دان و نقشه‌نگار سدهٔ دوم میلادی در نخستین نقشهٔ جهان‌نمای خود دریای حفاصل سرزمین ایران و شبه‌جزیرهٔ حجاز را با نام پارس یا فارسی معرفی کرد. کتاب هند شرح مسافرت فرمانده نیروی دریایی اسکندر به نام خارخوس است که در قرن چهارم پیش از میلاد با ناوگان خود به سفری در سواحل خلیج فارس از بندر گواتر تا بخش‌های شمالی رهسپار شد. به این ترتیب می‌توان دریافت که وقتی اسکندر به شرق لشکرکشی کرد خلیج فارس یا دریای پارس نامی آشنا و مشهور بود. دریانوردان ایرانی و یونانی از این نام به طور گسترده استفاده می‌کردند (وثوقی، ۱۳۷۴، ص ۱).

راتوستنس (Eratosthenes) که برای نخستین بار مدارها و نصف‌النهارها را طبق اصول جدید ترسیم کرد، در تمامی نقشه‌های چاپ‌شدهٔ او خلیج فارس بین دو قطعهٔ خشکی پارس و عرب واقع شده‌است. (گابریل، ص ۶۵) استرابون جغرافیانویس دیگری است که در مورد خلیج فارس می‌نویسد: «می‌گویند دهانهٔ خلیج فارس به قدری تنگ است که از دماغهٔ کرمانیا می‌توان دماغهٔ مکا در عربستان را به چشم دید. ساحل سمت راست دهانهٔ خلیج فارس به شکل دایره است و ابتدا قدری از جانب کرمانیا به سمت مشرق متمایل شده بعد به طرف شمال می‌رود و بالاخره از سمت مغرب به ترون و مصب شط فرات می‌رسد. مجموع مساحت آن ده‌هزار استاد است و سواحل کرمانیا و ایران و شوش و قسمتی از بابل جزء آن است» (وثوقی، ۱۳۸۴، صص ۲-۳).

کلودیوس پتوله‌ماوس (Claudius Ptolemaeus) یا بطلمیوس معروف که بزرگترین عالم هیئت و جغرافیای قدیم است و در سدهٔ دوم بعد از میلاد می‌زیست در کتاب بزرگی که در علم جغرافیا به زبان لاتین نوشته‌است از این دریا به نام پرسیکوس سینوس (Persicus Sinus) یاد کرده که درست به معنی خلیج فارس است. این اصطلاح

در کتاب‌های لاتین غالباً به صورت سینوس پرسیکوس (Sinus Persicus) آمده‌است. به علاوه در کتاب‌های جغرافیایی لاتین خلیج فارس را ماره پرسیکوم (Mare Persicum) یعنی دریای پارس نیز نوشته‌اند (مشکور، ۱۳۸۷، ص ۸).

اصطلاح لاتینی سینوس پرسیکوس در زبان‌های زنده جهان ترجمه شده و همه ملل این دریای ایرانی را به زبان خود خلیج فارس می‌گویند. چنانکه نام این دریا به زبان فرانسه (Golfe Persique)، به انگلیسی (Persian Gulf)، به آلمانی (Pesischer Gulf)، به ایتالیایی (Golfo Persico)، به روسی (Persidskizaliv)، به ژاپنی (Persha Wan) و به ترکی (Fars. Kon. fozi) آمده‌است که در تمامی آن‌ها نام پارس وجود دارد (همان، همانجا).

خلیج فارس همچنین در نقشه جهان هکاتیوس (سده پنجم پیش از میلاد) ترسیم شده‌است و نقشه در سه متن گوناگون آلمانی، فرانسوی و انگلیسی بازنگاری شده‌است (میرفخرایی، ۱۳۸۱، ص ۸).

کوئنتیوس کورتیوس روفوس (Quintus Curtius Rufus) مورخ رومی که در سده اول میلادی می‌زیست و تحقیقات جغرافیایی در تاریخ دارد این دریا را به زبان لاتین آکوواروم پرسیکو (Aquarum Persico) به معنی بگیه پارس خوانده‌است (مشکور، ۱۳۸۷، ص ۸).

ب) نام خلیج فارس در دوره اسلامی

در منابع معتبری که در سده‌های نخستین اسلامی نوشته شده‌اند به مناسبتی از دریای پارس نامی به میان آمده‌است. از این دریا به نام‌های بحر فارس، البحر الفارسی، الخلیج الفارسی و خلیج فارس یاد شده‌است و برخی جزایر این دریا را به نام‌های بحر الفارسی به گستره‌ای بسیار وسیع اطلاق می‌شده‌است و منبوه‌ای که امروز به نام خلیج فارس نامیده می‌شود، تنها بخشی از دریای پارس به شمار می‌رود.

ابوبکر احمد محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی که کتاب خود را با عنوان مختصر کتاب البلدان در سال ۲۷۹ق تألیف کرده‌است، از این دریا به صورت بحر فارس یاد کرده‌است. ابن رسته در کتاب اعلاق النفیسه در سال ۲۹۰ق و ابن خردادبه در مسالك الممالك و ابواسحق اصطخری در مسالك الممالك که در قرن چهار قمری تألیف شده‌است، از این دریا با نام بحر الفارس یاد کرده‌اند.

همچنین در کتاب مروج الذهب و معدن الجواهر و تنبیه و الاشراف از ابوالحسن علی بن حسین مسعودی و کتاب البدء و التاریخ تألیف مقدسی و کتاب صوره الارض

ابن حوقل که مؤلف آن را به سال ۳۶۷ ق به پایان رسانده است این دریا را بحر فارس نامیده‌اند. ابن بلخی در کتاب فارسنامه، یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان، ابو عبدالله زکریا بن محمد بن محمود قزوینی در کتاب انوار البلاد و اخبار العباد و حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب و ده‌ها مورخ دیگر از جغرافی نویسان مسلمان این خلیج را خلیج فارس (بحر فارس) نامیده‌اند (مشایخی، ۱۳۸۸، صص ۲۰-۲۲).

مدارک تاریخی نشان می‌دهند که در اسناد و مکاتبات اداری عصر عباسیان از واژه بحر الفارسی به طور گسترده استفاده می‌شده است (وثوقی، ۱۳۸۴، ص ۴).

قداد بن جعفر از دبیران مالی عصر عباسی در کتاب الخراج در توصیف رود دجله و شاخ‌های منشعب از آن می‌نویسد: «رود دجله آن‌گاه دو شاخه می‌شود، شاخه‌ای بر بصره گذرد و شاخه دیگر بر مذار و سپس همه این‌ها به دریای پارس می‌ریزد» (قدامه بن جعفر، ۱۹۶۷، صص ۲۲-۲۳).

بزرگ‌بن شهریار، ناخدا، هرمزی در کتاب عجایب الهند بر و بحر و جزایره که آن را در سال ۳۴۲ ق تألیف کرده است، می‌نویسد: «از شگفتی‌های دریای پارس چیزی است که مردمان به شب هنگام ببینند، در آن راه چون موج‌ها بر هم خورند و بر یکدیگر شکسته شوند از آن‌ها آتش بر جهد و آنکه گشتی سوار است، پندارد که به دریایی از آتش روان باشد» (مشکور، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

احمد بن یعقوب معروف به ابن واضح، مقوی، مورخ و دیوانسالار عصر عباسی در کتاب خود، که به سال ۲۶۰ ق تألیف شده است، ضمن شرحی که در مورد راه‌های دریایی می‌دهد، می‌نویسد: «کشور چین سرزمین پهناوری است که هر کس می‌خواهد از راه دریا به چین رود از هفت دریا بگذرد که هر یک را لونی و رنمی و بادیه و ماهیتی است جز آن‌چه در دریای بعدی است. اول دریای فارس که باید از سیراف بر کشتی نشست و آخرش رأس الجمجمه است. این دریا کم‌وسعت است و جایی برای شکار صیاد دارد. با این توصیف دانسته می‌شود که یعقوبی دریای پارس را منطبق بر خلیج فارس و دریای عمان می‌داند» (وثوقی، ۱۳۸۴، صص ۴-۵).

ابوریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی در کتاب التفهیم لاوائل اصنائه و التنجیم که به زبان فارسی است، نام این آب راه را دریای پارس و خلیج پارس هر دو آورده است (بیرونی، ۱۳۱۸، ص ۱۶۷) و در کتاب دیگر خود به نام تحدید نهایه الاماکن به نام خلیج فارس اشاره کرده است: «بحر فارس علی جنوب شیراز...» (بیرونی، ۱۹۶۲).

ادریسی صاحب کتاب نزهةالمشتاق دربارهٔ محدودهٔ دریای پارس می‌نویسد: «از دریای سبز چینی بخشی منشعب می‌شود که آن دریای فارس و ایله است و راه عبورش از جنوب به شمال اندکی به غرب است سپس به سمت غرب سرزمین‌های سند و مکران و کرمان و فارس گرایش پیدا می‌کند تا اینکه در ایله در محلی نزدیک آبادان پایان می‌پذیرد و اینجا پایان آن دریاست.» (ادریسی، ۱۹۹۴، ص ۹).

محمد بن نجیب بکران در کتاب جهان‌نامه می‌نویسد: «بحر کرمان پیوسته است به بحر مکران و جزیرهٔ کیش که مروارید از آنجای آورند در این دریاست و چون از بحر کرمان بگذری بحر پارس باشد و طول این دریا از حدود عمان تا نزدیکی سرانندی بکشد و بر جانب جنوب اه جمله زنگبار است و این بحر و بحر عمان هر دو یکی است به سبب آنکه ولایت پارس بر جانب شمال اوست ولایت عمان بر جانب مغرب او» (مشکور، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

شمس‌الدین دشتی صاحب کتاب نخبه‌الدهر، که از جغرافیدانان سدهٔ هفتم و هشتم هجری است، در مورد خلیج فارس می‌نویسد: «دانشمندان گویند که دریای فارس دریایی مبارک و کثیرالخیر است و بخشی از دریای هند و از شاخه‌های بزرگ آن است. طول آن چهارصد و شصت فرسخ و عرض آن صد و هشتاد فرسخ است و در شکل مثلثی است که یک ضلع آن از بصره تا رأس الجمجمه از رود مهره و ضلع دیگر از بصره تا مکران و ضلع سوم از رأس الجمجمه به طول پانصد و سی و نحسا و القطیف است.» (دمشقی، ص ۶۴).

ابن بلخی در کتاب فارس‌نامه در مورد خلیج فارس می‌نویسد: «بحر فارس این دریای پارس طیلسانی است. از دریای بزرگ که آن را بحر اخضر خوانند نیز بحر محیط و هر طیلسانی که از این دریا در زمین ولایتی است آن را بدان ولایت جز خوانند. چون دریای پارس و دریای عمان و مانند این و از این جهت این طیلسان را دریای پارس می‌گویند.» (ابن بلخی، ۱۳۱۳، ص ۱۲۴).

ابوالفدا جغرافیدان سدهٔ هشتم هجری در کتاب تقویم البلدان در مورد خلیج فارس می‌نویسد: «دریای فارس دریای منشعب از دریای هند است که بخش شمالی آن مکران است که در دهانهٔ خلیج فارس قرار گرفته است و قصبهٔ آن تیز است و در طول نود و سه عرض بیست و چهار قرار دارد و جانب دیگر آن عمان است ... سپس حاصل آن از عمان به

طرف شمال تا آبادان امتداد می‌یابد و سپس از آبادان به مهروبان و جنبه و سیف البحر حصن ابن عماره و هرموز که بندرگاه کرمان است.» (وثوقی، ۱۳۸۴، صص ۸-۹).

احمد بن علی بن احمد قلقشندی در گذشته در سال ۸۲۱ق در کتاب صبح الاعشی فی کتابه الانشاء در مورد خلیج فارس می‌نویسد: «اما دریای پارس منشعب از دریای هند است و پایان آن از سوی شمال به ساحل کرمان منعطف شده تا به اصل دریای پارس بر می‌گردد و همچنان به شمال امتداد می‌یابد تا اینکه به شهر هرموز منتهی می‌شود» (مشکور، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

شهاب الدین نویری در اوایل سده هشتم قمری در کتاب نهایی الارب فی فنون الادب از نخستین نویسندگان اسلامی است که نام خلیج فارس را به کار برده و شرح جالبی از آن به دست می‌دهد، او می‌نویسد: «اما خلیج فارس که مثلثی است شبیه بادبان، که یکی از اضلاع آن به مکران به طرف کرمان بر ساحل هرموز و از بلاد فارس به طرف سیاف و توج و نجیرم و جنبه و دارین و سینیز و مهروبان تا آبادان می‌رسد، از آبادان ضلع دیگرش به سمت خط کسترش می‌یابد و آن ساحل بلاد عمان است که به طرف یمن امتداد می‌یابد و از آنجا تا رأس الجحش از بلاد مهره کشیده می‌شود. ضلع سوم آن از مکران به رأس الجمجمه کشیده می‌شود و این اضلاع متفاوت است. طول دو ضلع آن پانصد مایل و ضلع آخر به طول نهصد مایل است» (وثوقی، ۱۳۸۴، ص ۹).

مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطنیه در شهر به حاجی خلیفه در گذشته در سال ۱۰۶۷ق صاحب کتاب معروف کشف الظنون در کتاب دیگر خود به نام جهان‌نما که آن را به ترکی نوشته چنین می‌نویسد: «دریای پارس نام دریا سینوس پرسیقوس می‌گویند به معنی خلیج فارس است به مناسبت اینکه در شرق آن فارس واقع است بدان نسبت داده می‌شود و آن را ماره پرسیقوم (دریای پارس) نیز گویند» (مشکور، ۱۳۸۷، صص ۱۸-۱۹).

با توجه به آنچه گفته شد و با دقت و کنکاش در متون دست اول اسلامی تا قرن دهم قمری می‌توان دریافت که نام دریای پارس و بعدها خلیج فارس واژه‌ای کاملاً فراگیر و دارای کاربرد گسترده در دنیای اسلام از شرق تا غرب بوده است و تمامی نویسندگان عرب از این واژه در متون ادبی - تاریخی و جغرافیایی خود استفاده کرده‌اند و حتی برای یکبار هم این نویسندگان از خلیج عرب و ترکیب مشابه آن استفاده نکرده‌اند.